

گام نخست در
یکتاپرستی
در پرتو قرآن و سنت

تألیف:

شیخ محمد طیب انصاری

عنوان کتاب:

گام نخست در یکتاپرستی در پرتو قرآن و سنت

تألیف:

شیخ محمد طیب انصاری

موضوع:

عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی - توحید و الهیات

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست سوالات

- فهرست سوالات..... أ
- سوال ۱- مسائل چهارگانه که بر هر مسلمان واجب است آنها را بداند کدام است؟..... ۱
- سوال ۲- دلیل این اصول چیست؟..... ۱
- سوال ۳- امام شافعی در فضیلت این سوره چه فرمود؟..... ۲
- سوال ۴- آیا قول و عمل قبل است یا علم قبل از آن دو است؟..... ۲
- سوال ۵- مسائل سه گانه‌ای که دانستن و شناختنش و عمل به آنها واجب می‌باشد کدام است؟..... ۲
- سوال ۶- دلیل این امر چیست؟..... ۳
- سوال ۷- دلیل این امر چیست؟..... ۳
- سوال ۸- چه دلیلی بر این اصل وجود دارد؟..... ۴
- سوال ۹- آیین حنیف در روش و ملت حضرت ابراهیم علیه السلام چگونه است؟..... ۴
- سوال ۱۰- دلیل این امر چیست؟..... ۴
- سوال ۱۱- معنای «یَعْبُدُونَ» چیست؟..... ۵
- سوال ۱۲- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال بدان فرمان داده است چیست؟..... ۵
- سوال ۱۳- توحید چیست؟..... ۵

- سوال ۱۴- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال از آن نهی فرموده است چیست؟ ۵
- سوال ۱۵- شرک چیست؟ ۶
- سوال ۱۶- دلیل این امر چیست؟ ۶
- سوال ۱۷- اصول سه گانه‌ای که واجب است انسان بدان شناخت حاصل کند کدام است؟ ۶
- سوال ۱۸- پروردگار و ربّ تو کیست؟ ۷
- سوال ۱۹- دلیل آن چیست؟ ۷
- سوال ۲۰- از روی چه نشانه‌هایی پروردگارت را شناختی؟ ۷
- سوال ۲۱- دلیل این سخن چیست؟ ۷
- سوال ۲۲- پروردگار جهانیان (رب) کیست؟ ۸
- سوال ۲۳- چه دلیلی بر این سخن وجود دارد؟ ۸
- سوال ۲۴- عبادت چیست؟ ۹
- سوال ۲۵- چند نوع عبادت وجود دارد که خداوند بدانها فرمان داده است؟ ۱۰
- سوال ۲۶- دلیل این امر چیست؟ ۱۰
- سوال ۲۷- حکم آن کسی که در یکی از این موارد، چیزی را بغیر الله نسبت بدهد چیست؟ ۱۱
- سوال ۲۸- دلیل این حکم چیست؟ ۱۱
- سوال ۲۹- چه دلیلی وجود دارد که دعا عبادت است؟ ۱۱
- سوال ۳۰- دلیل آنکه خوف (ترس از خدا) عبادت است چیست؟ ۱۲
- سوال ۳۱- دلیل آنکه رجاء (امید به خدا داشتن) عبادت است چیست؟ ۱۲
- سوال ۳۲- دلیل آنکه توکل عبادت است چیست؟ ۱۲

- سوال ۳۳- به چه دلیل «رغبته» و «رهبت» و «خشوع» از اقسام عبادت می‌باشند؟ ۱۳
- سوال ۳۴- دلیل آنکه «خشیت» (خوف از خدا) عبادت است چیست؟ ۱۳
- سوال ۳۵- دلیل آنکه «إنابت» عبادت است چیست؟ ۱۴
- سوال ۳۶- دلیل آنکه استعاذه (پناه گرفتن و پناه بردن) عبادت است، چیست؟ ۱۴
- سوال ۳۷- دلیل آنکه «استغاثه» عبادت است، چیست؟ ۱۴
- سوال ۳۸- دلیل آنکه «ذبح» قربانی کردن حیوانات عبادت است چیست؟ ۱۵
- سوال ۳۹- دلیل آنکه «نذر» عبادت است چیست؟ ۱۵
- سوال ۴۰- دلیل آنکه استعانه - یاری خواستن - عبادت است، چیست؟ ۱۵
- سوال ۴۱- اصل دوم چیست؟ ۱۶
- سوال ۴۲- دین اسلام چیست؟ ۱۶
- سوال ۴۳- مراتب و درجات دین اسلام چند تا است؟ ۱۶
- سوال ۴۴- ارکان اسلام چندتا است؟ ۱۶
- سوال ۴۵- دلیل آنکه شهادت به «لا اله الا الله» از ارکان اسلام است چیست؟ ۱۷
- سوال ۴۶- معنای «لا اله الا الله» چیست؟ ۱۷
- سوال ۴۷- منظور از لا اله الا الله چیست؟ ۱۷
- سوال ۴۸- منظور از «الا الله» چیست؟ ۱۷
- سوال ۴۹- تفسیر آنچه که این شهادت را توضیح می‌دهد چیست؟ ۱۸

- سوال ۵۰- دلیل آنکه شهادت به «محمد رسول الله» از ارکان اسلام است، چیست؟ ۱۸
- سوال ۵۱- معنای شهادت به «محمد رسول الله» چیست؟ ۱۹
- سوال ۵۲- دلیل آنکه نماز، روزه و تفسیر توحید از ارکان اسلام است، چیست؟ ۱۹
- سوال ۵۳- دلیل آنکه روزه از ارکان اسلام است چیست؟ ۲۰
- سوال ۵۴- دلیل آنکه «حج» از ارکان اسلام است، چیست؟ ۲۰
- سوال ۵۵- رتبه دوم از مراتب دین اسلام چیست؟ ۲۱
- سوال ۵۶- ایمان دارای چند شعبه است؟ ۲۱
- سوال ۵۷- ایمان دارای چند رکن است؟ ۲۱
- سوال ۵۸- دلیل این امر چیست؟ ۲۱
- سوال ۵۹- دلیل آنکه «قدر» از ارکان ایمان است چیست؟ ۲۲
- سوال ۶۰- مرتبه سوم از مراتب اسلام چیست؟ ۲۲
- سوال ۶۱- احسان چیست؟ ۲۲
- سوال ۶۲- خداوند متعال می‌فرماید؟ ۲۲
- سوال ۶۳- دلالتان از سنت در مراتب سه گانه دین چیست؟ ۲۳
- سوال ۶۴- اصل سوم چیست؟ ۲۵
- سوال ۶۵- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چند سال عمر داشتند؟ ۲۵
- سوال ۶۶- خداوند متعال او را به چه برانگیخت؟ ۲۵
- سوال ۶۷- دلیل این امر چیست؟ ۲۵
- سوال ۶۸- معنای (قُمْ فَأَنْذِرْ) چیست؟ ۲۶
- سوال ۶۹- معنای (وَوَزَّيْنَاكَ فَكَيْفًا، وَثِيَابَكَ فَطَهَّرْنَا) چیست؟ ۲۶
- سوال ۷۰- معنای (وَالرُّجُزَ فَاهْجُرْ) چیست؟ ۲۶

- سوال ۷۱- رسول رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چند سال این دعوت را بدینگونه پیگیری کرد؟ ۲۷
- سوال ۷۲- هجرت چیست؟ ۲۷
- سوال ۷۳- حکم هجرت چیست؟ ۲۷
- سوال ۷۴- دلیل این حکم چیست؟ ۲۷
- سوال ۷۵- علت نزول این دو آیه چه بود؟ ۲۸
- سوال ۷۶- دلیل تداوم و باقی بودن هجرت در حدیث چیست؟ ۲۹
- سوال ۷۷- بعد از آنکه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه مستقر گردیدند، چه فرمودند؟ ۲۹
- سوال ۷۸- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چند سال به این قوانین فرمان می دادند؟ ۲۹
- سوال ۷۹- آن خیری که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امتشان را بدان رهنمود ساخته اند و آن شری که آنان را از آن بر حذر داشته اند چیست؟ ۳۰
- سوال ۸۰- آیا خداوند، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برای قبیله خاصی برانگیخته و مبعوث گردانیده است یا برای تمامی بشریت؟ ۳۰
- سوال ۸۱- دلیل این سخن چیست؟ ۳۰
- سوال ۸۲- آیا خداوند متعال دینش را توسط رسولش حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کامل گردانید یا بعد از ایشان چنین کرده است؟ ۳۱
- سوال ۸۳- دلیل این امر چیست؟ ۳۱
- سوال ۸۴- دلیل مرگ (رحلت) پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیست؟ ۳۱
- سوال ۸۵- آیا مردم بعد از مرگشان برانگیخته می شوند یا نه؟ ۳۲
- سوال ۸۶- آیا مردم بخاطر اعمالشان بعد از برانگیخته شدن محاسبه می شوند و جزا داده می شوند؟ ۳۲

- سوال ۸۷- حکم آنکه «برانگیخته شدن بعد از مرگ» را تکذیب می‌کند چیست؟ ۳۲
- سوال ۸۸- خداوند پیامبرانش را با چه چیزی فرستاد؟ ۳۳
- سوال ۸۹- دلیل این امر چیست؟ ۳۳
- سوال ۹۰- اولین رسول (پیامبر) کیست؟ ۳۴
- سوال ۹۱- دلیلش چیست؟ ۳۴
- سوال ۹۲- آیا در تاریخ حیات انسانها، ملتی بوده است که خداوند برایشان پیامبری را نفرستاده باشد تا آنها را به عبادت خدای یکتا به تنهایی دعوت کند و از طاغوتیان دورشان سازد؟ ۳۴
- سوال ۹۳- طاغوت چیست؟ ۳۴
- سوال ۹۴- تعداد طاغوتها چند تا است؟ ۳۵
- سوال ۹۵- دلیل این امر چیست؟ ۳۵

قواعد چهارگانه ۳۷

- قاعده اول ۳۹
- قاعده دوم ۴۰
- قاعده سوم ۴۴
- قاعده چهارم ۴۹

عقیده سلف صالح ۵۳

وَبِهِ نَسْتَعِينُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيْنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

سوال ۱- مسائل چهارگانه که بر هر مسلمان واجب است آنها را بداند کدام است؟

جواب: اول، علم است که عبارت از شناخت خدا شناخت پیامبر خدا و شناخت دین اسلام با دلایل مستند و صحیح است.
دوم، عمل به این علم است.
سوم، دعوت به سوی این علم و عمل به آن است.
چهارم، صبر و استقامت بر مشکلات و آزارهای راه دعوت اسلامی می باشد.

سوال ۲- دلیل این اصول چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است:

﴿وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۳﴾ [العصر: ۱-۳].

یعنی: «سوگند به روزگار (زمانه)، برآستی تمامی انسانها در زیان و تباهی و ورشکستگی هستند، مگر آنانی که ایمان آوردند (به یگانگی و وحدانیت و بی شریکی الله و به تمامی پیامبرانش و فرشتگانش و کتابهای آسمانیش و قوانینش و...) و عملی صالح و شایسته (در تناسب با این ایمان) انجام دادند، (و در مسیر این دعوت جهانی) یکدیگر را به پایداری در راه حق (شریعت محمدی) و بردباری، تحمل و صبر سفارش کردند. (می کنند)».

سوال ۳- امام شافعی در فضیلت این سوره چه فرمود؟

جواب: فرمود، اگر خداوند متعال به جز از این سوره بر بندگانش نازل نمی‌کرد، کفایتشان می‌کرد!

سوال ۴- آیا قول و عمل قبل است یا علم قبل از آن دو است؟

جواب: علم قبل از آنهاست، زیرا پروردگار حکیم می‌فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾

[محمد: ۱۹].

یعنی: «بدان و آگاه باش که برستی هیچ معبود و حاکم و فریادرس و اجابت‌کننده دعوات و قانونگذار و بجز الله وجود ندارد، (نسبت به این عقیده، شناخت و معرفت دقیق حاصل کن) و برای گناهان خودت و تمامی مؤمنان به این عقیده استغفار کن و طلب بخشش بنمای».

(امام بخاری رحمته در این باره می‌گوید: خداوند قبل از قول و عمل دعوتش را با علم آغاز کرد.

سوال ۵- مسائل سه گانه‌ای که دانستن و شناختنش و عمل به آنها واجب می‌باشد کدام است؟

جواب: اول، این است که خداوند متعال «تنها کسی است» که ما را خلق کرده و هموست که به ما روزی داده و می‌دهد و ما را به حال خودمان بیپهوده و بی‌هدف رها نکرده و نمی‌کند بلکه پیامبری را به سوی ما (جهت راهنمایی و هدایت) فرستاده است، بنابراین هرکس از او اطاعت و فرمانبرداری کند وارد بهشت می‌گردد و چنانچه هرکس از فرامینش نافرمانی کرد و اطاعتش را نکند وارد جهنم می‌گردد.

سوال ۶- دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که می فرماید:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً﴾ [مزمّل: ۱۵-۱۶].

یعنی: «ای اهل مکه! و ای تمامی انسانها در هر زمان و مکان و نژاد) ما پیامبری را به سوی شما فرستاده‌ایم (برای همیشه) که بر شما گواه است، همانگونه که به سوی فرعون پیغمبری فرستادیم. فرعون با آن پیغمبر به مخالفت برخاست و ما هم او را به سختی فرو گرفتیم».

دوم، این است که خداوند متعال هرگز راضی نمی‌شود که در عبادتش کسی از فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و امامان و اولیاء و بزرگان شریک گردند.

سوال ۷- دلیل این امر چیست؟

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸].

جواب: یعنی: «(بدانید) همه مساجد خاص و ملک خداوند متعال است بنابراین حق ندارید بجز الله، احدی را بخوانید. (نه در رفتار روزمره‌تان و نه در دعاها و عبادت‌هایتان)».

سوم، این است که بر هرکس که خداوند متعال را به یگانگی بپذیرد و از رسول خدا اطاعت کند جایز نیست که با دشمنان خدا و رسولش (آنانی که تسلیم برنامه الهی نیستند) هر چند که از نزدیکترین اقوامش باشند، موالات و دوستی کند.

سوال ۸- چه دلیلی بر این اصل وجود دارد؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي
قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ﴾ [المجادلة: ۲۲].

یعنی: «مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند، ولی کسانی را به دوستی و صمیمیت برگزینند که با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند، (از دستوراتشان سرپیچی کرده و مطابق هوی و هوسشان زندگی کرده یا از قوانین غیرخدا و دیگران پیروی کنند). هر چند که آنان پدران یا پسران یا برادران و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا که مؤمنان را، خدا بر دل‌هایشان ایمان را رقم زده و ثبت گردانیده است و با نفخه ربانی خود یاریشان داده و تقویتشان کرده است.»

سوال ۹- آیین حنیف در روش و ملت حضرت ابراهیم علیه السلام چگونه است؟

جواب: این است که فقط و فقط خداوند یکتا و بی‌شریک را در حالی که تنها دین و عبادت را برای او خالص گردانیده‌ای، عبادت و پرستش کنی. و این را بدانی که پروردگار حکیم تمامی بشریت و مردم را به این روش دستور و فرمان داده است زیرا انسان را فقط بدین خاطر خلق کرده است.

سوال ۱۰- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

یعنی: «جن و انس را خلق نکرده و نیافریدیم مگر آنکه تنها و تنها مرا عبادت کرده و پرستش نمایند. (در تمامی زندگی تسلیم برنامه‌های من باشند)».

سوال ۱۱- معنای «یَعْبُدُونِ» چیست؟

جواب: در حالی که آنان را امر و نهی می‌کنم (و کاملاً و بدون هر گونه اعتراض و اظهار رأی تسلیم من هستند) مرا به یگانگی و وحدانیت (در ذات و صفات و اعمال) می‌شناسند.

سوال ۱۲- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال بدان فرمان داده است چیست؟

جواب: توحید.

سوال ۱۳- توحید چیست؟

جواب: یگانه و بی‌شریک دانستن خداوند در عبادات و اثبات و تأیید صفاتی که خودش را بدان توصیف کرده و رسول کریمش ﷺ بیان داشته است و منزله دانستن او از هر عیب و نقص و حادث شدن (پدید آمدن) و مشابهت با مخلوقاتش در ذات و صفات و افعال.

سوال ۱۴- مهمترین و بزرگترین چیزی که خداوند متعال از آن نهی فرموده است چیست؟

جواب: شرک.

سوال ۱۵- شرک چیست؟

جواب: دیگری را بجز خداوند (یا به همراه او) خواندن «در دعاها و درخواست‌ها و عبادت‌ها» و یا اینکه در حالی که تنها اوست که تو را خلق کرده است در عبادات برایش شریک، هم‌ورد و هم‌تا قرار دهی.

سوال ۱۶- دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن خداوند حکیم است که:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۱].

یعنی: «تنها و تنها الله را عبادت و پرستش کنید (در تمام برنامه‌هایتان و امور زندگی و مرگتان و سیاستان و اقتصادتان و... تسلیم برنامه‌های او باشید) و در هیچ چیز (عبادت، دین، سیاست، ذات و صفات و قوانین و برنامه‌هایتان) کسی یا چیزی را برایش شریک قرار ندهید».

در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ [البقرة: ۲۲].

یعنی: «(هرگز) برای الله هم‌تا و هم‌گون و همانندهایی قرار ندهید (یعنی مبدا قوانین و روش‌های عبادت و آداب زندگی و مرگ دیگران را سرمشق خود قرار داده مقابل آن تسلیم شده و بدان گردن نهید به امید آنکه از حق منحرف نشده‌اید!!!!)».

سوال ۱۷- اصول سه‌گانه‌ای که واجب است انسان بدان شناخت حاصل کند کدام است؟

جواب: عبارت از شناخت دقیق پروردگارش، دینش و پیامبرش حضرت

محمد ﷺ می‌باشد.

سوال ۱۸- پروردگار و ربّ تو کیست؟

جواب: ربّ و پروردگار من همان الله است مرا و تمام جهانیان را با نعمت‌ها و رحمت‌هایش پرورش داده است و تنها هموست که معبود من است و بجز او هرگز معبودی ندارم و نخواهم داشت.

سوال ۱۹- دلیل آن چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

یعنی: «حمد و ستایش مخصوص و خاص الله است که فقط همو پروردگار جهانیان می‌باشد».

بنابراین، هر چیزی بجز الله در مجموعه عالم (جهان) قرار می‌گیرد و ما هم زیر مجموعه و عضوی از این جهان هستیم.

سوال ۲۰- از روی چه نشانه‌هایی پروردگارت را شناختی؟

جواب: پروردگارم را از روی آیات و مخلوقاتش که شامل شب، روز، خورشید، ماه، آسمان‌های هفتگانه و هر آنچه که در آنهاست، شناختم.

سوال ۲۱- دلیل این سخن چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [فصلت: ۳۷].

یعنی: «از نشانه‌های (خلقت و قدرت و ربوبیت) خدا، شب و روز و خورشید و ماه است بنابراین برای خورشید و ماه سجده نکنید، فقط برای

خدائی که آنها را آفریده است، سجده کنید، اگر واقعاً او را عبادت و پرستش می کنید».

و همچنین

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۴﴾﴾ [الأعراف: ۵۴].

یعنی: «پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش دوره - روز - بیافرید، سپس به اداره جهان هستی پرداخت (توجه به سوی عرش - مرکز فرماندهی اش - نمود و بر آن استقرار یافت یا آن را خلق کرد) با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگی مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او می آفریند و تنها او فرمان می دهد. بزرگواری و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است پروردگار جهانیان است».

سوال ۲۲- پروردگار جهانیان (رب) کیست؟

جواب: رب (پروردگار) تنها کسی است که سرور، آقا و مالک (صاحب اختیار) بوده همان که از عدم (هیچ) مخلوقات را به دایره هستی (وجود) وارد ساخت و تنها و تنها اوست که لایق و سزاوار و مستحق پرستش و عبادت است.

سوال ۲۳- چه دلیلی بر این سخن وجود دارد؟

جواب: پروردگار جهانیان می فرماید:

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾﴾ [البقرة: ۲۱-۲۲].

یعنی: «ای مردم! خدای خود را پرستید، آنکه شما را و کسانی را آفریده است که پیش از شما بوده‌اند تا (خود را بدین وسیله پاک سازید و) راه پرهیزگاری گیرید. خدای شما کسی است که زمین را برایتان بگسترانید (و آن را در خور اقامت و سکونت کرد) و آسمان را (با تمام اجرام و ستارگان، بسان) کاخی بیافرید و از آسمان آب فرو فرستاد، و با آن، انواع (گیاهان و درختان و) ثمرات را بوجود آورد تا روزی شما گردند، پس شرکاء و همانندهایی برای خدا بوجود نیاورید، در حالیکه شما (از روی فطرت) می‌دانید. (که چنین کاری درست نیست) بنابراین خالق و آفریننده تمام این چیزها، تنها کسی است که سزاوار و شایسته و مستحق پرستش و عبادت است.»

سوال ۲۴- عبادت چیست؟

جواب: عبادت، نهایت و اوج خضوع و فروتنی و خواری و نهایت و اوج محبت (دوستی و علاقه) و وابستگی به کسی است که این کارها را برایش انجام داده است، به عبارت دیگر اسمی جامع و شامل بر هر چیزی است که خداوند آن را دوست می‌دارد. بدانگونه که از آن اعمال و رفتار ظاهری و باطنی خشنود و راضی می‌گردد. (به بیانی دیگر عبادت، زندگی و رفتار و کرداری است که مورد رضایت الهی می‌باشد. یعنی از شروع خلقت فرد تا قیام قیامت).

سوال ۲۵- چند نوع عبادت وجود دارد که خداوند بدانها فرمان داده است؟

جواب: فراوان است، از انواع آنها می‌توان: اسلام، ایمان، احسان، دعا، خوف (ترس از خدا)، رجاء (امید به خدا)، توکل، رغبت، رهبت (میل و گریز)، خشوع، خشیت، انابت (روی آوردن به خدا)، استعانت (یاری و کمک خواستن)، استعاذه (پناه بردن و حمایت طلبیدن)، استغاثه (دادخواستن و درخواست عمیق و جدای و به فریاد رسیدن) و قربانی کردن حیوان و نذر را نام برد که خداوند به آنها فرمان داده و از انواع عبادت بر شمرده است که تمامی آنها تنها و تنها خاص و ویژه الله ﷻ می‌باشد. (و نه کسی دیگر، بنابراین چنانچه کسی در هریک از این امور غیر خدا را شریک گرداند از مسیر راستین عبادت خارج گردیده و به مقصود نخواهد رسید).

سوال ۲۶- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [البقره: ۱۸].

یعنی: «(این را بدانید و آگاه باشید) که همانا تمامی مساجد ویژه و خاص و در مالکیت الله است، بنابراین بجز الله حق ندارید کسی دیگر را بخوانید و پرستش کنید (و از او استعانت و یاری بطلبید)».

و در آیه دیگر چنین می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [الإسراء: ۲۳].

یعنی: «(ای انسان) پروردگارت چنین حکم کرده است (فرمان داده و واجب گردانیده) که نباید بجز او کسی دیگر را پرستش کنید و بخوانید و عبادت نمائید».

سوال ۲۷- حکم آن کسی که در یکی از این موارد، چیزی را بغیر الله نسبت بدهد چیست؟

جواب: چنانچه کسی در یکی از موارد ذکر شده در انواع عبادت چیزی را به غیر الله نسبت بدهد، مشرک و کافر می‌گردد، هر چند که نماز بخواند و روزه بگیرد و حج برود و گمان کند که مسلمان است!!!!.

سوال ۲۸- دلیل این حکم چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿۱۱۷﴾ [المؤمنون: ۱۱۷].
یعنی: «هرکس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند مسلماً هیچ دلیلی بر حقانیت آن نخواهد داشت در حالیکه برهان و حجتی بر عملش ندارد، حساب او با خداست. قطعاً کافران رستگار نشده و به فلاح نمی‌رسند. (بلکه تنها مؤمنان - موحدین - رستگار می‌شوند».

سوال ۲۹- چه دلیلی وجود دارد که دعا عبادت است؟

جواب: خداوند «عزوجل» در قران پاکش می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿۶۰﴾ [غافر: ۶۰].

یعنی: «پروردگارتان می‌گوید: مرا به فریاد و دعا بخوانید مرا به کمک بطلبید، رفع نیازمندیها و حل مشکلات خود را از من بخواهید تا استجابت کرده و بپذیرم، کسانی که خود را بزرگتر از آن می‌دانند که مرا به فریاد بخوانند - از عبادت من سرپیچی کرده و استکبار می‌ورزند در حالی که خوار و پست و زبون و ذلیل می‌شوند وارد دوزخ - جهنم - خواهند شد».

در اینجا کلمه عبادت بمعنی «دعا» آمده است و از جانب دیگر رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ».

یعنی: «دعا مغز و عصاره و سر چشمه و فرماندهی و مرکز عبادت است.» و در روایتی دیگر آمده است:

«الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ».

یعنی: «دعا قطعاً عبادت می‌باشد.»

سوال ۳۰ - دلیل آنکه خوف (ترس از خدا) عبادت است چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۵].

یعنی: «پس از آنان نترسید و فقط از من بترسید اگر مؤمنان (راستین) هستید.»

سوال ۳۱ - دلیل آنکه رجاء (امید به خدا داشتن) عبادت است چیست؟

جواب: خداوند کریم و حکیم می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکف: ۱۱۰].

یعنی: «پس هرکس که امید دیدار و رسیدن (خواهان دیدار) خدای خویش «پروردگارش» را دارد باید کار شایسته کند و در عبادت و پرستش پروردگارش احدی (کسی) را شریک نسازد.»

سوال ۳۲ - دلیل آنکه توکل عبادت است چیست؟

جواب: خداوند حکیم می‌فرماید:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳].

یعنی: «فقط و فقط بر الله توکل کنید، اگر ایمان دارید».

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳].

یعنی: «و هرکس بر الله توکل کند (کارها و امورش را به او واگذار نماید)

خداوند متعال خودش به تنهایی او را کافی خواهد بود و بسنده می کند».

سوال ۳۳- به چه دلیل «رغبت» و «رهبت» و «خشوع» از اقسام عبادت می باشند؟

جواب: خداوند متعال در کلام پاکش می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي

الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشِيعِينَ﴾ [الانبیاء: ۹۰].

یعنی: «براستی که آنان (حضرت زکریا و همسرش و یا تمام انبیاء و

صالحان) در انجام کارهای نیک و خیر بر یکدیگر سرعت می گرفتند (تا

هرکس زودتر آن را انجام دهد) و در حالی که چیزی می خواستند یا از

چیزی می ترسیدند ما را به فریاد و ناله می خواندند (و در وقت نیازمندی و

بی نیازی، و بیماری و سلامت، و خوشی و ناخوشی، رو به آستانه ما

می کردند) و میان خوف و رجاء می زیستند و همواره خاشع و خاضع ما

بودند».

سوال ۳۴- دلیل آنکه «خشیت» (خوف از خدا) عبادت است چیست؟

جواب: سخن پروردگار حکیم است که می فرماید: ﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ

وَأَخْشَوْنَ﴾ [المائدة: ۳].

یعنی: «پس از آنان (کافران و مشرکان) نترسید (و خوف و هراس به دل

راه ندهید) و فقط از من (الله) بترسید».

سوال ۳۵- دلیل آنکه «انابت» عبادت است چیست؟

جواب: خداوند رحمان «در برنامه‌اش برای انسان‌ها» می‌فرماید: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ﴾ [الزمر: ۳۴].

یعنی: «به سوی پروردگار خود برگردید (با ترک سیئات و انجام حسنات به سوی پروردگارتان تغییر مسیر دهید) و تنها تسلیم او شوید و خاشعانه و خاشعانه از او امرش فرمانبرداری کنید».

سوال ۳۶- دلیل آنکه استعاذه (پناه گرفتن و پناه بردن) عبادت است، چیست؟

جواب: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿۱﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾﴾ [الناس: ۱-۳].

یعنی: «بگو پناه می‌برم به پروردگار مردمان به مالک مردمان به معبود بر حق مردمان».

سوال ۳۷- دلیل آنکه «استغاثه» عبادت است، چیست؟

جواب: خداوند حکیم می‌فرماید: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ ﴿۶﴾﴾ [الأنفال: ۹].

یعنی: «ای مؤمنان، به یاد آورید» زمانی که در میدان کارزار بدر از شدت ناراحتی از پروردگار خود استغاثه و درخواست کمک و یاری می‌نمودید و او درخواست شما را پذیرفت «و گفت» من شما را با یک هزار فرشته کمک و یاری می‌دهم که این گروه هزار نفری گروه‌های متعدد دیگری را هم پشت سر دارند».

سوال ۳۸- دلیل آنکه «ذبح» قربانی کردن حیوانات عبادت است چیست؟

جواب: خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۸﴾ [الأنعام: ۱۶۲].

یعنی: «بگو: نماز و عبادت و حجه و قربانی‌ام و زیستنم و مردنم از آن خداست که پروردگار جهانیان است و این است که تنها خدا را پرستش می‌کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او قرار می‌دهم و بر بذل مال و جان در راه خداوند می‌کوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم، ذخیره ممانم شود».

سوال ۳۹- دلیل آنکه «نذر» عبادت است چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يُوفُونَ بِالَّذَرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿۷﴾ [الإنسان: ۷].

یعنی: «به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی می‌هراسیدند که شر و بلاى آن گسترده و فراگیر است».

سوال ۴۰- دلیل آنکه استعانه - یاری خواستن - عبادت است، چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۵﴾ [الفاتحة: ۵].

یعنی: «تنها و تنها تو را عبادت می‌کنم و فقط از تو کمک و یاری می‌جویم. همچنین از رسول خدا ﷺ».

در روایت صحیح آمده است: «إِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ».

یعنی: «هر گاه یاری و کمک و استعانت خواستی فقط از الله، استعانت و یاری بخواه».

سوال ۴۱- اصل دوم چیست؟

جواب: شناخت دین اسلام با دلایل و شواهد قاطع می‌باشد.

سوال ۴۲- دین اسلام چیست؟

جواب: تسلیم و امتثال در برابر خداوند متعال با توحید و فرمانبرداری او به همراه طاعت و با بیزارى و نفرت از شرک و مشرکین (هوادار شرک) می‌باشد.

سوال ۴۳- مراتب و درجات دین اسلام چند تا است؟

جواب: مراتب اسلام سه تا است:

- ۱- اسلام
- ۲- ایمان
- ۳- احسان و هر مرتبه خود نیز دارای ارکانی است.

سوال ۴۴- ارکان اسلام چندتا است؟

جواب: پنج تا است:

- ۱- شهادت به یگانگی الله در توحید و عبودیت و الوهیت و اینکه محمد ﷺ فرستاده و پیامبر اوست.
«شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله».
- ۲- برپاداشتن نماز.
- ۳- پرداخت وادای زکات
- ۴- روزه ماه مبارک رمضان

۵- حج خانه خدا «بیت الله الحرام»

سوال ۴۵- دلیل آنکه شهادت به «لا اله الا الله» از ارکان اسلام است چیست؟

جواب: خداوند رحمان می‌فرماید: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸].

یعنی: «خداوند گواهی و شهادت می‌دهد که معبودی جز او نیست و اینکه (در کارهای آفریدگان خود) دادگری می‌کند و فرشتگان و صاحبان دانش گواهی می‌دهند. جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم».

سوال ۴۶- معنای «لا اله الا الله» چیست؟

جواب: معنایش این است که هیچ معبود، فریادرس، قانونگذار، حاکم، سرور، اجابت کننده بحق بجز الله یگانه و بی شریک وجود ندارد.

سوال ۴۷- منظور از لا اله الا الله چیست؟

جواب: منظور نفی و طرد تمام و جمیع آنچه است که به گونه‌ای از انواع عبادت بجز الله مورد عبادت قرار می‌گیرد.

سوال ۴۸- منظور از «الا الله» چیست؟

جواب: منظور اثبات و تأیید هر گونه عبادت تنها برای خداوند متعال می‌باشد، خداوندی که یگانه بوده و هیچ شریکی در عبادتش ندارد، همانگونه که هیچ شریکی در (پادشاهی و فرمانروایی و قانونگذاری و فریاد رسی و اجابت کردنش) ندارد.

سوال ۴۹- تفسیر آنچه که این شهادت را توضیح می دهد چیست؟

جواب: خداوند حکیم می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۱۶﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۱۷﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ ﴿۱۸﴾ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۱۹﴾﴾ [الزخرف: ۲۶-۲۸].

یعنی: «آن هنگامی که ابراهیم به پدر و قومش گفت: من از آنچه می پرستید بیزار و متنفرم، بجز آن کسی (معبودی) که مرا آفریده است (فقط الله را خواهم پرستید) زیرا تنها اوست که مرا (به راه مستقیم و راستین) هدایت و رهنمون خواهد ساخت، و «این چنین» ابراهیم توحید را بعنوان شعار یکتاپرستی در میان قوم خود باقی گذاشت تا اینکه شاید (بدان ایمان آورده) و (از پرستش معبودهای دروغین و باطل) باز گردند».

همچنین سخن پروردگار جهانیان است که: ﴿قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ تَعٰلَوْٓا۟ اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنِنَا وَبَيْنَكُمْ اِلَّا نَعْبُدُ اِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُدْرِكُ بِهٖ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَاِنْ تَوَلَّوْٓا۟ فَقَوْلُوْٓا۟ اَشْهَدُوْٓا۟ بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ ﴿۱۶﴾﴾ [آل عمران: ۶۴].

یعنی: «بگو: ای اهل کتاب، (پیروان ادیان آسمانی) بیائید به سوی سخن دادگرانه‌ای (عادلان‌های) که میان ما و شما مشترک این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی، برخی دیگر را، بجای خداوند یگانه، به جدائی (عبودیت) نپذیرد، پس هر گاه (از این دعوت)) روی بر گردانید (سر بر تابند) بگوئید: گواه باشید که منقاد و مطیع اوامر و نواهی خدا هستیم».

سوال ۵۰- دلیل آنکه شهادت به «محمد رسول الله» از ارکان اسلام است، چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸].

یعنی: «بی‌گمان پیغمبری «محمد نام» از خود شما (انسان‌ها) به سویتان آمده است هر گونه درد و رنج و بلاء و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت گران می‌آید و به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان بوده و بسیار مهربان است».

«همچنین در جای دیگر از قرآن کریم آمده است: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹].

یعنی: «محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده و رسول خدا است و کسانی که با او هستند (یاران و اصحابش) در برابر کافران تند و سرسخت و شدیدند (در عوض) نسبت به یکدیگر بسیار مهربان و دلسوزند».

سوال ۵۱- معنای شهادت به «محمد رسول الله» چیست؟

جواب: اطاعت و فرمانبرداری از او (حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) در آنچه که فرمان می‌دهد و تصدیق و تأیید آنچه که خبر داده است پرهیز و دوری و تنفر از آنچه که نهی فرموده است و در نهایت اینکه الله را عبادت و پرستش نکنیم مگر آنگونه که او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان داده است.

سوال ۵۲- دلیل آنکه نماز، روزه و تفسیر توحید از ارکان اسلام است، چیست؟

جواب سخن پروردگار حکیم است که

﴿وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ [البينة: ۵].

یعنی: «در حالی که جز این به ایشان دستور داده نشده است که خدا را مخلصانه و در حالیکه دین (تمام برنامه‌های زندگی و پرستش را تنها برای او خالص کرده‌اند و به سوی حقیقت و آئین راستین گرایش یافته‌اند بپرستند و نماز را چنانکه باید بخوانند و زکات را (به تمام و کمال) بپردازند، و تنها این آئین، راستین و ارزشمند و استوار و پای برجاست و بس!؟».

سوال ۵۳- دلیل آنکه روزه از ارکان اسلام است چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].
یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما روزه واجب شده است، همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند واجب بوده است تا باشد که پرهیزگار و با تقوا گردید.».

سوال ۵۴- دلیل آنکه «حج» از ارکان اسلام است، چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].
یعنی: «و حج این خانه (بیت الله - کعبه) واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هرکس (حج خانه خدا را عمداً به جای نیامورد یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدینوسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است....».

سوال ۵۵ - رتبه دوم از مراتب دین اسلام چیست؟
جواب: ایمان.

سوال ۵۶ - ایمان دارای چند شعبه است؟

جواب: ایمان دارای هفتاد و چند شعبه است که برترین آن، سخن «لا اله الا الله» و کمترین آن «دور کردن هر آنچه که در راهها به عابرين آزار می‌رساند (مانند، سنگ، شیشه و....) می‌باشد و «حیاء» نیز شعبه - قسمتی - از ایمان است.

سوال ۵۷ - ایمان دارای چند رکن است؟

جواب: ایمان دارای شش رکن است: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ». یعنی: «اینکه ایمان بیاوری به الله و فرشتگانش و کتاب‌هایش و فرستادگانش - پیامبرانش - و روز آخرت و اینکه ایمان بیاوری به قدر - حکم و مشیت خداوند درباره بندگانش از خیر و شرش».

سوال ۵۸ - دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن خداوند متعال است که: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

یعنی: «اینکه (به هنگام نماز) چهره‌هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً رو کردن به خاور و باختر، نیکی

به شمار نمی‌آید). بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده است».

سوال ۵۹- دلیل آنکه «قدر» از ارکان ایمان است چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹].

یعنی: «ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب و نظام آفریده‌ایم».

سوال ۶۰- مرتبه سوم از مراتب اسلام چیست؟

جواب: آن «احسان» است که تنها دارای یک رکن است.

سوال ۶۱- احسان چیست؟

جواب: احسان این است که الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می‌بینی (پس این را بدان) اگر تو نمی‌توانی او را ببینی، او کاملاً و به دقت تو را می‌بیند.

سوال ۶۲- خداوند متعال می‌فرماید؟

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ [النحل: ۱۲۸].

جواب: یعنی: «بی‌گمان خدا (تایید و معونت و حفاظت و رعایت همه جانبه‌اش) همراه کسانی است که تقوی پیشه کنند و (با دوری از نواهی، خود را از خشم خدا بدور دارند، و یا تمام نیرو و قدرت) با کسانی است که نیکوکار - محسن - باشند و (با انجام اوامر الهی خویشان را به الطاف ایزد نزدیک سازند)».

همچنین می فرماید: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۳۷﴾ الَّذِي يَرِنُكَ حِينَ تَقُومُ ﴿۳۸﴾ وَتَقْلَبُكَ فِي السَّجْدَيْنِ ﴿۳۹﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۴۰﴾﴾ [الشعراء: ۲۱۷-۲۲۰].

یعنی: «بر خدای چیره و مهربان توکل کن، آن خدایی که تو را می بیند آنگاه که (برای نماز تهجد) بر می خیزی و حرکت (قیام جماعت) سجده برندگان: چرا که او بس شنوا و آگاه است».

و نیز می فرماید: ﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ﴾ [یونس: ۶۱].

یعنی: «(ای پیامبر، تو به هیچ کاری نمی پردازی و چیزی از قرآن نمی خوانی، و «شما ای مؤمنان» هیچ کاری نمی کنید، مگر اینکه ما ناظر بر شما هستیم، در آن حال که شما بدان دست می زنید و سرگرم انجام آن می باشید».

سوال ۶۳- دلالتان از سنت در مراتب سه گانه دین چیست؟

جواب: حدیث صحیح و مشهور جبرئیل است که حضرت عمر رضی الله عنه آن را بدینگونه روایت می کند:

«بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرِي عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ فَجَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ وَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ: أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَصَوْمَ رَمَضَانَ وَتَحَجَّجَ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، قَالَ: صَدَقْتَ. فَعَجَبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ، قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ:

أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ. قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ، قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. قَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ؟ قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنِ أَمَارَاتِهَا، قَالَ: أَنْ تَلِدَ الْأُمَةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُئْيَانِ. قَالَ: فَمَضَى فَلَيْثُنَا قَلِيلاً. فَقَالَ: يَا عُمَرُ! أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: هَذَا جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يَعَلِّمُكُمْ أَمْرَ دِينِكُمْ». [رواه مسلم في صحيحه].

یعنی: «ما نزد رسول خدا ﷺ نشستند بودیم که ناگاه مردی که لباسهایش به شدت سفید و موهایش کاملاً مشکی بود و اصلاً آثاری از سفر (گرد و غبار و زولیده‌گی) بر او دیده نمی‌شد و هیچکس از ما هم او را نمی‌شناخت آشکار گردید پس (آمد) نزد پیامبر ﷺ نشست و زانوهایش را به زانوهای ایشان ﷺ چسباند و دستهایش را بر روی رانهایش گذاشت، سپس گفت: ای محمد، به من بگو اسلام چیست؟ حضرت فرمود: اینکه شهادت بدهی هیچ معبودی بجز الله نیست و محمد رسول خداست و نماز را بپای داری و زکات بدهی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانستی به حج بیت الله بروی». گفت: راست گفتم! شگفت زده شدیم، سوال می‌کند و آنگاه تأیید و تصدیق می‌کند. گفت: به من بگو ایمان چیست؟ حضرت فرمود: «اینکه به الله و فرشتگانش و کتابهایش و پیامبرانش و روز آخرت و قدر و خیر و شرش ایمان بیاوری». گفت: به من بگو احسان چیست؟ حضرت فرمود: «اینکه چنان خداوند را عبادت کنی که گویا او را می‌بینی. پس اگر نمی‌توانی او را ببینی (این را بدان) که او تو را می‌بیند». گفت: به من بگو ساعه (قیامت) کی می‌آید؟ حضرت فرمود: «من آگاه‌تر از تو که سوال می‌کنی نیستم». گفت: به من بگو نشانه‌هایش چیست؟ فرمود: «اینکه مادر،

سرپرست و مربی خود را بزاید (یعنی پسرانش و دخترانش از دستوراتش سرپیچی کرده و به او دستور دهند) و اینکه انسان‌های بی‌سروپست و برهنه (معنوی و مادی) را ببینی که به فرماندهی و امارت رسیده‌اند بگونه‌ای که در حکومت چپاول می‌کنند حضرت عمر می‌فرماید: او رفت و اندکی درنگ کردیم پس حضرت رسول ﷺ فرمود: ای عمر، آیا می‌دانی سوال کننده چه کسی بود؟ گفتم: خدا و رسولش آگاه‌ترند. فرمود: این جبرئیل علیه السلام بود که به نزدتان آمد تا امور دینتان را به شما بیاموزد».

این روایت را امام مسلم رحمته الله در کتاب صحیحش آورده است.

سوال ۶۴- اصل سوم چیست؟

جواب: شناخت پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.
او محمد پسر عبدالله پسر عبدالمطلب پسر هاشم از قریش است. قریش نیز از عرب و عرب از فرزندان اسماعیل پسر ابراهیم خلیل علیه السلام می‌باشد.

سوال ۶۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چند سال عمر داشتند؟

جواب: شصت و سه سال که چهل سال آن قبل از نبوت بود و بیست و سه سال در دوران نبوت و رسالت گذشت. با آیه «اقرأ» نبی گردید و با سوره «مدثر» رسول گشت و سرزمینش مکه بود.

سوال ۶۶- خداوند متعال او را به چه برانگیخت؟

جواب: او را با بیم و بیزاری از شرک و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی برانگیخت.

سوال ۶۷- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الْمُدْتِرُّ ﴿١﴾ فَمَّ فَأَنْذِرُ ﴿٢﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ ﴿٣﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرُ ﴿٤﴾ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرُ ﴿٥﴾ وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرُ ﴿٧﴾﴾ [المدثر: ۱-۷].

یعنی: «ای جامه بر سر کشیده (و در بستر خوابیده)، برخیز و (مردمان را از عذاب خداوند) بترسان و بیم بده، و تنها پروردگار خود را به بزرگی و کبریائی بستای (و تنها او را بزرگ بشمار)، و جامه خویش را پاکیزه‌دار (و خویشتن را از آلودگی‌ها پاک گردان)، و از چیزهای کثیف و پلید دوری کن، بذل و بخشش برای این مکن که افزون طلبی کنی (بلکه برای رضای خدا احسان و صدقه و بذل و بخشش کن)، و برای (خشنودی و محض رضای) پروردگارت شکیبایی و صبر کن.»

سوال ۶۸- معنای (فُمَّ فَأَنْذِرُ) چیست؟

جواب: معنایش این است که: از شرک بترسان و بیم بده و به سوی توحید و یکتاپرستی دعوت کن.

سوال ۶۹- معنای (وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ، وَثِيَابَكَ فَطَهِّرُ) چیست؟

جواب: معنی: «معنایش این است که پروردگارت را به بزرگی در توحید اگر کن و اعمال و رفتارت را از شرک پاک گردان.»

سوال ۷۰- معنای (وَالرُّجْزَ فَاهْجُرُ) چیست؟

جواب: معنی: «معنایش این است که بتها و طاغوتها را ترک کرده و رها کن یعنی آنها و اهلس و پیروانش را ترک کن و از آنها و اهلس بیزاری بجوی.»

سوال ۷۱- رسول رحمت ﷺ چند سال این دعوت را بدینگونه پیگیری کرد؟

جواب: ده سال متمادی به این دعوت تداوم بخشید سپس به سوی آسمان عروج کرد (معراج) و بر او (و امتش) نمازهای پنجگانه فرض گردید تا بدانها پناه ببرد بعد از آن، جهت هجرت به مدینه منوره فرمان داده شد.

سوال ۷۲- هجرت چیست؟

جواب: جابجایی از سرزمین شرک به سرزمین اسلام و سرزمین بدعت و انحراف به سرزمین سنت پیامبر می باشد.

سوال ۷۳- حکم هجرت چیست؟

جواب: حکم آن بر این امت (اسلام) فرض و واجب می باشد یعنی باید از سرزمین شرک به سرزمین اسلام هجرت کنند و از سرزمین بدعت و انحراف که اهلش را به سوی آن (بدعت) فرا می خواند به سرزمین (اسلام) و سنت هجرت کنند. و این حکم تا زمانی که خورشید از غرب طلوع کند (قیامت) باقی خواهد بود.

سوال ۷۴- دلیل این حکم چیست؟

جواب: خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا غَفُورًا ﴿٩٩﴾﴾ [النساء: ۹۷-۹۹].

یعنی: «بی‌گمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغشان می‌روند و (می‌بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده‌اند بدیشان می‌گویند: کجا بوده‌اید و به چه سرگرم بوده‌اید؟ (که اینک چنین بی‌دین و توشه مرده‌اید و بدبخت شده‌اید؟ عذرخواهان) گویند: ما بیچارگانی در سرزمین (کفر) بودیم (و چنانکه باید از انجام دستورات دین ترسیدیم فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن (بتوانید بار سفر بندید و به جای دیگری) کوچ کنید؟ جایگاه آنان دوزخ است، و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی! مگر بیچاره‌گانی از مردان و زنان و کودکانی که کاری از آنان ساخته نیست و راه چاره‌ای نمی‌دانند. پس امید است که خداوند از آن در گذرد (چون قدرت هجرت نداشتند) و خداوند بسیار عفو کننده و آمرزنده است».

همچنین می‌فرماید: ﴿يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اَرْضِي وَاسِعَةٌ فَاِيَّيْ
فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ [العنكبوت: ٥٦].

یعنی: «ای بندگان مؤمن من! زمین من فراخ و گسترده است (و اگر در جایی تحت فشار کفار و ستمگران بودید، می‌توانید به نقاط دیگری مسافرت کنید) و تنها مرا بپرستید. (چرا که پرستش توحیدی، رمز آزادگی و سرافرازی است».

سوال ۷۵- علت نزول این دو آیه چه بود؟

جواب: علت نزول آیه اول این بود که قومی از اهل مکه مسلمان شده بودند در حالی که از هجرت با رسول خدا ﷺ سرباز زدند، بگونه‌ای که تعدادی از آنان به فتنه افتادند به ناچار به همراه مشرکین در پیکار بدر

حضور یافتند، لهذا خداوند عذر آنان را نپذیرفت و با عذاب جهنم مجازاتشان کرد! و علت نزول آیه دوم این بود که گروهی از مسلمانان، در مکه بودند که هجرت نکرده بودند پس خداوند آنان را به اسم ایمان ندا داد و به هجرت تشویقشان کرد.

سوال ۷۶- دلیل تداوم و باقی بودن هجرت در حدیث چیست؟

جواب: رسول خدا ﷺ می فرماید: «لَا تَنْقَطُعُ الْهَجْرَةُ حَتَّى تَنْقَطَعَ التَّوْبَةُ وَلَا تَنْقَطِعُ التَّوْبَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا».

یعنی: «هجرت قطع نخواهد شد مگر آنکه زمان توبه به پایان برسد و توبه به آخر نمی رسد مگر آنکه که خورشید از مغرب طلوع کند».

سوال ۷۷- بعد از آنکه رسول الله ﷺ در مدینه مستقر گردیدند، چه فرمودند؟

جواب: سایر قوانین شریعت اسلام را فرمان دادند مانند: زکات، روزه، حج، اذان، جهاد و امثال آن.

سوال ۷۸- رسول خدا ﷺ چند سال به این قوانین فرمان می دادند؟

جواب: ده سال تمام، سپس ایشان ﷺ در حالی که دینشان باقی بود رحلت کردند و این همان دینی است که هر چه خیر و رحمت در آن موجود بود ایشان ﷺ امتشان را بدان رهنمود ساخته اند و از هر چه شر و بدی در بین مردم بود بر حذرشان داشته است.

سوال ۷۹- آن خیری که رسول الله ﷺ امتشان را بدان رهنمود ساخته‌اند و آن شری که آنان را از آن بر حذر داشته‌اند چیست؟

جواب: آن خیر، توحید و تمام آنچه که خداوند متعال دوست می‌دارد و از آن خشنود می‌گردد، است و آن شر، شرک و تمام آنچه که خداوند آن را ناپسند دانسته و مورد خشم و غضبش می‌گردد، می‌باشد.

سوال ۸۰- آیا خداوند، رسول الله ﷺ را برای قبیله خاصی برانگیخته و مبعوث گردانیده است یا برای تمامی بشریت؟

جواب: خداوند، ایشان ﷺ را برای تمامی انسانها مبعوث گردانیده است و اطاعت از او ﷺ را بر تمامی ثقلین (جن و انسان) فرض گردانیده است.

سوال ۸۱- دلیل این سخن چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸].

یعنی: «بگو (ای پیامبر) که ای مردم، من رسول خدا هستم به سوی تمامی شما».

همچنین می‌فرماید: ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ﴾ [الأحقاف: ۲۹].

یعنی: «(ای پیغمبر خاطر نشان ساز) زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند».

سوال ۸۲- آیا خداوند متعال دینش را توسط رسولش حضرت محمد ﷺ کامل گردانید یا بعد از ایشان چنین کرده است؟

جواب: بله، خداوند دین را با ایشان ﷺ کامل گردانید بگونه‌ای که دیگر نیازی به ایشان در امور دین بعد از رحلت مبارکشان نباشد. (یعنی دین اسلام در عهد رسول الله ﷺ کامل گردیده و نیازی به نوآوری و بدعت‌های گمراه کننده وجود ندارد).

سوال ۸۳- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳].

یعنی: «امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گام‌هایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم».

سوال ۸۴- دلیل مرگ (رحلت) پیامبر ﷺ چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾ [الزمر: ۳۰-۳۱].

یعنی: «ای محمد! (مرگ از مسائلی است که همه انسانها برابر و در آن یکسانند، و شتری است که بر در خانه همه کس می‌خوابد، لذا) تو هم می‌میری و همه آنان هم می‌میرند (و سرانجام نیک و خوش و جاوید از آن پرهیزگاران است) سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان به نزاع و کشمکش می‌پردازید».

سوال ۸۵- آیا مردم بعد از مرگشان بر انگیخته می‌شوند یا نه؟

جواب: بله، همه مردم بر انگیخته خواهند شد و خداوند متعال چنین می‌فرماید: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ﴾ [طه: ۵۵].

یعنی: «ما شما را از زمین آفریده‌ایم و بدان باز می‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم برای حساب و کتاب و جزا و سزا».

همچنین می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿۱۷﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿۱۸﴾﴾ [نوح: ۱۷-۱۸].

یعنی: «خداست که شما را از زمین بگونه‌ای شگفتی آفریده است. سپس شما را به همان زمین بر می‌گرداند و بعد شما را به گونه شگفتی (زنده می‌گرداند و) از زمین بیرون می‌آورد».

سوال ۸۶- آیا مردم بخاطر اعمالشان بعد از برانگیخته شدن محاسبه می‌شوند و جزا داده می‌شوند؟

جواب: بله، بخاطر اعمال شان محاسبه خواهند شد و جزا خواهند دید، خداوند می‌فرماید: ﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ﴾ [النجم: ۳۱].

یعنی: «سرانجام خداوند بدکاران را در برابر کارهایی که می‌کنند کیفر می‌دهد، و نیکوکاران را در برابر کارهایی که می‌کنند به بهترین وجه پاداش عطاء می‌کند».

سوال ۸۷- حکم آنکه «برانگیخته شدن بعد از مرگ» را تکذیب می‌کند چیست؟

جواب: براساس آیات قرآن کافر می‌باشد.

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشَاعِرٌ ثُمَّ لَتَنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [التغابن: ۷].

یعنی: «کافران می‌پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می‌پندارید، به پروردگرم سوگند زنده و برانگیخته خواهید شد، سپس از آن چیزهایی که می‌کرده‌اید با خبرتان خواهند کرد، و این کار برای خدا ساده و آسان است».

سوال ۸۸- خداوند پیامبرانش را با چه چیزی فرستاد؟

جواب: آنان را با این پیام که موحدان (اهل توحید) را به بهشت بشارت بدهند و مشرکان را با عذاب آتش جهنم بترسانند و بیم دهند، به سوی مردم گسیل داشت.

سوال ۸۹- دلیل این امر چیست؟

جواب: سخن پروردگار جهانیان است که: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ [النساء: ۱۶۵].

یعنی: «ما پیغمبران را فرستاده‌ایم (تا مؤمنان را به ثواب) مژده رسان، و (کافران به عقاب) بیم دهنده باشند، و بعد از آمدن پیغمبران حجت و دلیل بر خدا برای مردمان باقی نماند (و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می‌فرستادی، ایمان می‌آوریم، و راه طاعت عبادت در پیش می‌گرفتیم). و خدا چیره و حکیم است (و تمامی کارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می‌پذیرد)».

سوال ۹۰- اولین رسول (پیامبر) کیست؟

جواب: حضرت نوح عليه السلام.

سوال ۹۱- دلیلش چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [النساء: ۱۶۳].

یعنی: «ما به تو (ای پیغمبر، قرآن و شریعت را) وحی کردیم همانگونه که پیش از تو به نوح و به پیغمبران بعد از او وحی کردیم».

سوال ۹۲- آیا در تاریخ حیات انسانها، ملتی بوده است که خداوند برایشان پیامبری را نفرستاده باشد تا آنها را به عبادت خدای یکتا به تنهایی دعوت کند و از طاغوتیان دورشان سازد؟

جواب: نه، هرگز چنین ملتی وجود نداشته که پیامبری به سویشان فرستاده نشده باشد. زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

یعنی: «ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده‌ایم (و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) که خدا را تنها بپرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران و هرکس که از برنامه الهی طغیان کرده و سرپیچی کند) دوری کنید».

سوال ۹۳- طاغوت چیست؟

جواب: آن است که بنده از حد و مرزی که خداوند برایش معین نموده تجاوز و سرکشی کند حال فرق نمی‌کند که معبودی یا حاکمی یا تابعیت غیر از خدا را بپذیرد.

سوال ۹۴- تعداد طاغوتها چند تا است؟

جواب: فراوان و بی‌شمارند که سر کرده‌ها و رؤسای آنان پنج گروه می‌باشند:

- ۱- ابلیس (شیطان) که لعنت خدا بر او باد.
- ۲- هرکسی که مورد پرستش و اطاعت بی‌چون و چرا قرار گیرد و از این امر نیز خشنود باشد.
- ۳- هرکس مردم را به پرستش و اطاعت از خود فرا بخواند.
- ۴- هرکس که چیزی از علوم غیبی (امور غیب) را ادعا کند.
- ۵- هرکس به غیر از آنچه که خداوند نازل کرده حکم کند و فرمان دهد. (در حالیکه خداوند به ما فرمان داده و امر کرده است که به اینان کفر ورزیده و از ارتباط با آنان اجتناب و پرهیز نمائیم تا از گروه مسلمانان شویم).

سوال ۹۵- دلیل این امر چیست؟

جواب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۰۶﴾ [البقرة: ۲۰۶].

یعنی: «اجبار و اکراهی در (قبول و پذیرش) دین نیست چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است بنابراین کسی به طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوшالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) کفر بورزد و به خدا ایمان بیاورد. به محکم‌ترین دستاویزی در آویخته است. (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند و) اصلاً

گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است (و سخنان پنهان و آشکار مردمان را می‌شنود و از کردار کوچک و بزرگ همگان آگاهی دارد).»

همچنین باز می‌فرماید: ﴿قُلْ يَتَّاهِلُ الْكَلْبِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾﴾ [آل عمران: ۶۴].

یعنی: «بگو: ای اهل کتاب، بیائید به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است (و همه آن را بر زبان می‌رانیم، بیائید به آن عمل کنیم و آن این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را، به جای خداوند یگانه به خدایی نپذیرد. پس هر گاه (از این دعوت) سر بر تابند. بگوئید: گواه باشید که ما تسلیم و مطیع محض (اوامر و نواهی خدا) هستیم.»

این است همان معنای «لا اله الا الله» که در حدیث شریف آمده است: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعُمُودُهُ الصَّلَاةُ وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

یعنی: «رأس هر کاری اسلام است و ستون اسلام نماز می‌باشد و قله و کمال اسلام جهاد در راه الله است و خداوند از هرکس و هر چیز، آگاه‌تر و عالم‌تر است.»

الحمد لله الذي تيمم بنعمته الصالحات.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قواعد چهارگانه

از خداوند بزرگوار آن صاحب عرش عظیم می‌خواهم که در دنیا و آخرت تو را سرپرستی کرده و تحت ولایتش و دوستی‌اش قرار دهد، و هر جا که هستی به تو برکت و خیر عطا نماید، و اینکه تو را از زمره و گروه کسانی قرار دهد که هرگاه چیزی نصیبشان می‌گردد سپاس و شکر کرده و هر گاه به مصیبتی و آزمایشی مبتلا می‌گردند، صبر و شکیبائی را پیشه خود می‌کنند. و هر گاه گناهی انجام می‌دهند بلافاصله استغفار و آمرزش می‌طلبند. بدان که این صفتهای سه گانه آخر رمز و کلید سعادت و خوشبختی می‌باشند. بدان که خداوند تو را به اطاعت و فرمانبرداری از خودش رهنمود ساخته است. براستی که آیین حنیف در روش حضرت ابراهیم عليه السلام این است که خداوند یگانه را به تنهائی در حالی که دین را برایش خالص گردانیده‌ای باید عبادت و پرستش کنی.

همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

یعنی: «جن و انسان را خلق نکردم مگر آنکه مرا تنها عبادت کنند». پس هر گاه که دانستی خداوند تو را به جز برای عبادتش خلق نکرده پس بدان که عبادت هرگز عبادت نامیده نمی‌شود مگر در پرتو توحید^۱. همانگونه

۱- این کثیر در تفسیرش می‌گوید: یعنی آنان را خلق کردم تا بدیشان در جهت عبادتم فرمان دهم نه اینکه احتیاجی به آنان داشته باشم، می‌گویم: شکی نیست که جهان

که نماز، نماز نامیده نخواهد شد مگر با طهارت و پاکی. بنابراین هرگاه شرک در عبادت، نفوذ کند آن را فاسد می‌گرداند همانگونه که نواقص وضو طهارت و وضو را فاسد و باطل می‌گرداند.

چه زیبا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي الثَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾﴾ [التوبة: ۱۷].

یعنی: «مشرکانی که به کفر خویش گواهی می‌دهند حق ندارند مساجد خدا را «با عبادت یا تعمیر و تنظیف و خدمت و ...» آباد کنند. آنان اعمالشان هدر و تباه است (و اجر و مزدی به کارهایشان تعلق نمی‌گیرد) و جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می‌مانند».

حال که دانستی شرک هرگاه به عبادت راه یافته و به آن نفوذ کند، آن را فاسد گردانیده و اعمال را نابود ساخته و صاحبش را تا ابد جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می‌کند، باید این را بدانی که شناخت شرک از مهمترین واجبات تو خواهد بود، شاید که الله تو را خالص و مخلص گرداند و از این دام مرگبار که همان شرک به خداست نجات دهد، و چه دقیق و زیبا پروردگار، خطرات شرک را بیان می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۱۱۶].

یعنی: «بی‌گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را از کسی نمی‌آمرزد بلکه (گناه) پائین‌تر از آن را از هرکس که بخواهد و صلاح بداند می‌بخشد».

بر حالت صالح و مناسبی در جهت عبادت خلق شده است و آماده و مستعد آن است که خداوند سبحان در آنان اندیشه‌ها و عقولی را سوار گرداند و برایشان حواس ظاهری و باطنی و سایر تواناییها را قرار دهد.

بنابراین واجب است که قواعد چهار گانه‌ای را که خداوند در کتابش (قرآن) بیان داشته بشناسی.

قاعده اول

اینکه بدانی کافرانی را که رسول خدا ﷺ با آنان جنگید و مقاتله کرد، اقرار می‌کردند که الله تعالی تنها کسی است که خالق و پدید آورنده و روزی دهنده و رازق و تدبیر کننده جهان هستی است، اما این اقرار و اعتقاد آنان را مسلمان نگردانید، و در جماعت مسلمانان نیز وارد نساخت. (یعنی: بمجرد اعتقاد به این اصول «خلق، روزی دهندگی و تدبیر» کسی در مجموعه اسلام وارد نخواهد شد مگر آنکه الله را به تنهایی و خالص و بدون شریک در تمام صفاتش عبادت کند و خود را تابع و مطیع محض قوانین و شریعتش گرداند).

دلیل این مطلب سخن پروردگار حکیم است که می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾﴾ [یونس: ۳۱].

یعنی: «بگو چه کس از آسمان (به وسیله اشعه و باران) و از زمین (به وسیله فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوه آنها) به شما روزی می‌رساند یا چه کسی بر گوش و چشمها توانا است (و آنها را می‌آفریند و به آنها نیروی شنوایی و بینائی می‌دهد)؟! یا چه کسی زنده را از مرده، مرده از زنده بیرون می‌آورد. (و حیات و ممات در دست اوست)؟! یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می‌گرداند (و کار ساز و کاردان است)؟! (پاسخ خواهند داد خواهند گفت: آن خداست «حتماً الله است») (چرا که آفریدگار

جهان و روزی رسان مردمان و مدبر کار و یار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است). پس بگو: آیا نمی‌ترسید و پرهیزگار نمی‌شوید».

قاعده دوم

براستی آنان - مشرکین - می‌گویند: ما آنان (بتان، بزرگان، اولیاء و فرشتگان) را نمی‌خوانیم و به آنها روزی نمی‌آوریم مگر به امید آنکه سبب نزدیکی و شفاعت ما در نزد خداوند متعال گردند. و دلیل قربت و نزدیکی (دلیل آنکه خواند و دعای اولیاء بدین منظور که آنان را بر الله نزدیک گرداند شرک است) این سخن پروردگار بزرگ و حکیم است: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿۳﴾ [الزمر: ۳].

یعنی: «هان آگاه باش و بدان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خداست و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری بر می‌گیرند (و به آنان تقرب و توسل می‌جویند، می‌گویند): ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند (الله) نزدیک گردانند. خداوند روز قیامت میان ایشان (و مومنان) درباره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفر پیشه را (به سوی حق) هدایت و رهنمود نمی‌کند (و او را با وجود کذب و کفر به درک و فهم حقیقت نائل نمی‌گرداند)».

و دلیل شفاعت (دلیل آنکه خواندن و دعای اولیاء و توسل جستن به آنان برای برطرف کردن نیازها و حل مشکلات و نجات از بلاها و برگزیدن آنان به عنوان شفیعانی در نزد خداوند، شرک است) این سخن خداوند متعال است

که: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَبْتَغُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۱۸﴾ [یونس: ۱۸].

یعنی: «اینان (مشرکین) غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه بدیشان زیان می‌رسانند و نه سودی عائدشان می‌سازد، و می‌گویند: اینها میانجیها و شفیعان ما در نزد خدایند (و در آخرت رستگاران می‌نمایند!) بگو: آیا خدا را از وجود چیزهایی به نام بتان و شریکان (خدا) با خبر می‌سازید که خداوند در آسمان‌ها و زمین از آنها خبر و سراغی ندارد؟ (مگر شما بتها و اولیاء و بزرگان و فرشتگان را نماینده خدا نمی‌دانید؟ آیا ممکن است خدا اگر نماینده‌ای می‌داشت از وجود آن بی‌خبر می‌گشت، ولی شما از آن با خبر می‌شدید؟! خداوند منزّه (از هر گونه شریکی) و فراتر از آن چیزهایی است که مشرکان شریک و همکار و واسطه‌شان می‌دانند».

شفاعت بر دو گونه است، شفاعت منفی و مشرکانه و شفاعت مثبت و موحدانه. شفاعت منفی و سلبی آن است که از غیر الله آنچه خواسته شود که کسی بجز خدا بر آن قادر و توانا نباشد و دلیلش هم آیه ۲۵۴ از سوره بقره است.

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفْعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۵۴﴾ [البقره: ۲۵۴].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید (برخی) از آنچه بهره شما کرده‌ایم (در راه خدا) صرف و انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است، و

کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خویش ظلم می‌کنند، و نتیجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد)»^۱.

۱- حافظ عماد الدین مشهور به ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: خداوند متعال بندگانش را به انفاق در راهش - راه خبر - از آنچه که روزیشان داده است امر می‌کند تا ثواب و پاداش آن در نزد پروردگار و صاحب اختیار شان ذخیره گردانند و به این عمل در زندگی دنیا مبادرت بورزند قبل از آنکه روز قیامت، روزی که در آن نه معامله‌ای است و نه دوستی است و نه شفاعت و میانجیگری است فرا رسد. یعنی، جان، هیچ کس خریداری نمی‌شود و هیچ ثروتی هر چند که طلاها سراسر زمین را پر کند خرید نمی‌گردد و دوستی هیچ کس ثمر و بهره‌ای نمی‌رساند و نه اصل و نسبت و ریشه‌های فامیلی‌اش!

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۱]. و لا شفاعتی یعنی شفاعت، شفاعت کنندگان به آنان بهره و سودی نمی‌رساند، و اینکه خداوند می‌گوید: ﴿وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴]. در اینجا کافرون به عنوان مبتدا در خبر خودش که الظالمون است محصور گردیده یعنی به انحصار کشیده شده است یعنی هیچ ظالمی ظالم‌تر از آن کسی که خدا در روز قیامت او را کافر بنامد، نیست. ابن ابی حاتم از عطاء بن دینار روایت کرده است که گفت: شکر و سپاس خاص خدایی است که گفت: ﴿وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ و نگفت «والظالمون هم الكافرون» و خداوند از هر کس عالم‌تر و آگاه‌تر است.

محمد منیر دمشقی

یعنی هیچکس جسارت و شهامت آن را ندارد که در پیشگاه الله برای کسی طلب شفاعت کند آن هم بخاطر عظمت و جبروت و کبریایی‌اش همچنانکه در حدیث شفاعت آمده است: «آتی تحت العرش فأخر ساجداً فیدعني ما شاء الله أن یدعني ثم یقال: ارفع رأسك وقل تسمع واشفع تشفع، قال: فیحدلی حدأ فأدخلهم الجنة».

و شفاعت مثبت و ایجابی آن است که از خداوند متعال درخواست می‌گردد و در حالیکه شفاعت کننده نزد پروردگار مکرم و محترم می‌باشد و آن کسی که می‌خواهد در حقش شفاعت صورت گیرد خداوند از سخن و عملش راضی و خشنود می‌باشد تازه آن هم بعد از اذن و اجازه پروردگار صورت خواهد گرفت (و باید چنین گفت: خداوندا، شفاعت پیامبرت حضرت محمد ﷺ را نصیب من گردان نه اینکه مستقیماً از حضرت محمد ﷺ یا اولیاء یا دیگران درخواست کرد که این عمل شرک است البته این شفاعت بجز از خداوند یگانه درخواست نمی‌گردد زیرا آنان همه ملک و دارایی خداوند یگانه هستند پس هرکس که از غیر خدا طلب شفاعت کند مشرک می‌گردد و به آن جهتی حرکت کرده که با درخواستش منافات داشته و در نتیجه، مقصودش حاصل نخواهد شد. زیرا الله بجز از توحید خشنود نمی‌گردد و اجازه شفاعت نمی‌دهد مگر برای اهل توحید (موحدان) همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

یعنی: «کیست که در پیشگاه او شفاعت و میانجیگری کند مگر با اجازه او».

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ﴾ [الأنبياء: ۲۸].

یعنی: «در روز قیامت به طرف پایین عرش می‌روم و به سجده می‌افتم پس مرا رها می‌کند هر اندازه که خودش می‌خواهد رها کند سپس گفته می‌شود: سرت را بلند کن و بگو که پذیرفته و شنیده می‌شود و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته می‌شود، فرمود: پس برای من حد و حدودی معین می‌شود که آنها را خدا وارد بهشت می‌گرداند خداوند از هر کس عالم‌تر و آگاه‌تر است».

یعنی: «و آنان هرگز برای کسی شفاعت نمی‌کنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خشنود است (و اجازه شفاعت او را داده است)».

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾ [الزمر: ۴۴].

یعنی: «بگو هر گونه میانجیگری و شفاعت از آن خداست (و کسی نمی‌تواند کمترین میانجیگری بکند، مگر اینکه، کسی که برای او میانجیگری و شفاعت می‌شود مورد رضایت خدا بوده و به شخص میانجی هم اجازه این کار داده شود و شفاعت هم حسنه باشد)».

قاعده سوم

همانا رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان مردم مبعوث گردید که در عبادت‌هایشان به شیوه‌های گوناگون و متفاوتی عمل می‌کردند، گروهی از آنان فرشتگان را عبادت می‌کردند و گروهی دیگر پیامبران و صالحان را عبادت می‌کردند و گروه بعدی متوجه درختان و سنگ‌ها می‌شدند و برایشان تعظیم و تکریم می‌نمودند و دسته‌ای هم مشغول پرستش خورشید و ماه بود. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تمام این گروه‌ها بدون آنکه بین شان فرقی بگذارد قتال کرد و جنگید و نابودشان ساخت. شاهد این ماجرا هم آیات قرآن کریم است.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۹۳].

یعنی: «و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دین تان برگردانند) و دین خالصانه از آن خدا گردد (تا مومنان جز از خدا نترسند و آزادانه و دستور آئین خویش زیست کنند)».

و تعظیم و پرستش خورشید و ماه و سایر ستارگان و اعتقاد به اینکه آنها دارای تأثیر و تصرفاتی در حوادث و اتفاقات این دنیای پست (زمین) هستند شرک می‌باشد. دلیل آن آیات قرآن مجید است.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۳۷﴾﴾ [فصلت: ۳۷].

یعنی: «از نشانه‌های (قدرت) خدا، شب و روز و خورشید و ماه است. برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدائی که آنها را آفریده است سجده کنید، اگر واقعاً او را پرستش و عبادت می‌کنید».

و دلیل آنکه پرستش و عبادت فرشتگان شرک است، سخن خداوند متعال است که: ﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّنَ أَرْبَابًا﴾ [ال عمران: ۸۰].

یعنی: «و (هیچکس از پیغمبران) به شما فرمان نمی‌دهد که فرشتگان و پیغمبران را به پرودگاری و ربوبیت خود گیرید».

دلیل آنکه پرستش و عبادت و خواندن انبیاء و رسولان در دعا شرک است، آیه ۱۱۶ سوره مائده می‌باشد: ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ لِيَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ آءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِِّّ إِنْ كُنْتُ فَلْتُهُ، فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿۱۱۶﴾﴾ [المائدة: ۱۱۶].

یعنی: «و (خاطر نشان ساز) آنگاه را که خداوند می‌گوید: ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفته‌ای که بجز الله، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید (و ما دو نفر را نیز پرستش کنید؟). عیسی می‌گوید: تو را از آن منزه می‌دانم که دارای شریک و انباز باشی. مرا نسزد که چیزی را بگویم (و بطلبم که وظیفه و) حق من نیست. اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن

آگاهی. تو (علاوه از ظاهر گفتار من) از راز درون من هم با خبری، ولی من (چون انسان بیش نیستم) از آنچه بر من پنهان می‌داری بی‌خبرم، زیرا تو داننده رازها و نهنهائی (از اسرار و نوایای امور با خبری)»^۱.

دلیل آنکه پرستش اولیاء و صالحان در دعاها و استغاثه‌ها (درخواست کمک از آنان) و توسل به آنان شرک به الله تعالی - منزه است از آنچه برایش شریک می‌گیرند - می‌باشد، آیه ۵۷ از سوره «إسراء» می‌باشد.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ﴾ [الإسراء: ۵۷].

یعنی: «آن کسانی را که به فریاد می‌خوانند و (خدا گونه‌هایشان می‌دانند) آنان که از همه مقرب‌ترند (به درگاه الله، همچون عیسی و عزیر و فرشتگان) برای تقرب به پروردگارشان وسیله می‌جویند (که طاعات و عبادات است) و به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او هراسناکند».

دلیل آنکه تعظیم درختان و سنگ‌ها و قبور اولیاء و تبرک جستن به آنها و برایشان قربانی و نذر دادن تا حاجتها و نیازهایشان برطرف شده و مصیبتها و بلاهایشان دور گردد و اینکه با اعتکاف کنار آنها و پرستش و عبادت در آنجا تبرک می‌جویند و از پردها و خاکهایش تبرک و خیر می‌طلبند، شرک است، آیات ۱۹-۲۰ سوره نجم می‌باشد.

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّكَّ وَالْعُرَىٰ ﴿۱۹﴾ وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةِ الْأُخْرَىٰ ﴿۲۰﴾﴾ [النجم: ۱۹-۲۰].

۱- امام بخاری با سندش از عبدالله درباره آیه: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ﴾ نقل می‌کند: که گروهی از جنیان بودند که پرستش می‌شدند پس اسلام آوردند. و همچنین از او نقل شده است گفت: درباره گروهی از عربها نازل گردید که تعدادی جن را پرستش می‌کردند پس جنها ایمان آورده و مسلمان شدند ولی انسانهایی که آنان را عبادت می‌کردند از اسلام شان خبردار نشدند سپس این آیه نازل شد. و الله اعلم.

یعنی: «آیا چنین می‌بینید (و اینگونه معتقدید) که لات و عزی و منات، سومین بت دیگر (معبود شما و دختران خدایند و دارای قدرت و عظمت می‌باشند»^۱.

۱- خداوند متعال این مطلب را می‌گوید تا مشرکین را در عبادتهایشان بکوبد و خرد نماید که چگونه بتا و هیکلها و هموردانی را عبادت و پرستش می‌کردند و برایشان خانه‌هایی برتر از کعبه‌ای که ابراهیم خلیل علیه السلام بنا کرده بود، می‌ساختند.

«اللَّات»: صخره نقش داری در طائف بود که برایش خانه‌ای در طائف ساخته بودند، که دارای پرده‌ها و حیاط و صحن بزرگ بود و خدمتکارانی در آنجا خدمت می‌کردند، این بارگاه نزد اهل طائف بسیار محترم و بزرگ بود که آنان از طائفه ثقیف و توابع آن بودند که بعد از قریش، به خاطر آن به دشمنان‌شان از قبایل عرب افتخار می‌کردند.

«الْعُزَّى»: درختی بود که برایش بارگاه و پرده دارانی مقرر کرده بودند مکانش در سرزمین نخله بین مکه و طائف بود و قریش آن را بزرگ می‌داشت و احترام می‌کرد. بدین سبب بود که ابوسفیان در غزوه احد گفت: ما عزی داریم و شما عزی ندارید. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحابش فرمود: «بگوئید: الله مولی و یاور ماست و شما و مولی و یاوری ندارید».

«مَنَاة»: (صخره‌ای قشنگ) در سرزمین مشلل در قریه‌ای بین مکه و مدینه بود که قبیله خزاعه و اوس و خزوج در عصر جاهلی آن را بزرگ داشته و احترام می‌کردند و جهت مراسم حج از آنجا به سوی کعبه حرکت می‌کردند، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گروهی از اصحابش را برای ویران ساختن آن فرستاد «خالد بن ولید - سیف الله» را به سوی مشرکین آنجا گسیل داشت و او نیز آن را نابود ساخت در حالی که این سرود را می‌خواند.

يَا عَزَّ كَفَرْنَاكَ لَا سُبْحَانَكَ إِنِّي رَأَيْتُ اللَّهَ قَدْ أَهَانَكَ

یعنی: ای عزی ما تو را تکفیر کرده و قبول نداریم و هرگز تو را به پاکی و تنزیه نمی‌ستائیم، من خود دیدم که چگونه الله تو را خوار و ذلیل کرد». و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

ابو واقد لیلی رضی الله عنه روایت می‌کند که: (روزی) به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سمت حنین خارج شدیم و ما در آن روز به عهد جاهلیت و کفر نزدیک بودیم (تازه مسلمان شده بودیم). مشرکین درخت سدري (کناری) داشتند که سلاحهایشان را بدان می‌آویختند که به آن «ذات انواط» می‌گفتند. ما نیز از کنار آن درخت سدر عبور کردیم، پس گفتیم: ای رسول خدا، برای ما هم ذات انواطی مانند آنچه که مشرکین دارند، قرار بده، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر براستی که این قانون جاری در جوامع است، سوگند به کسی که جانم در دست اوست آنچه که شما گفتید همانند آن است که بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام گفتند:

مغیره بن شعبه و ابوسفیان صخر بن حرب را به سوی لات اعزام کرد پس نابودش ساختند و در محل آنجا مسجدی برای اهل طائف بنا کردند. و همچنین حضرت صلی الله علیه و آله ابوسفیان صخر بن حرب را به سوی منات فرستادند پس آن را نیز نابود ساخت (گفته شده است که آن را حضرت علی رضی الله عنه نابود ساخته است). بنابراین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دین حق و اخلاص در عبودیت و یگانه دانستن معبود بر حق، بطلان عاداتهای زشت و ناپسند و بطلان هر آنچه را که بگونه‌ای به شرک آلوده بود را آورد و به همین گونه اصحاب کرام و بزرگوارش عمل می‌کردند و از ایشان رضی الله عنهم بعد از رحلت تبعیت کردند تا آنکه اوضاع آشفته و درهم شد و خشک و تر بهم سوختند و شیاطین و انحرافات باطل بر اندیشه‌ها و تفکرات بسیاری از مسلمین یورش بردند، و پرستش و عبادت بتان را تجدید کردند و این بار با بنایی جدید و نمایی فریبنده و بویژه در دوران معاصر که عصر جهل مرکب و تصاویر افسونگر است به گونه‌ای که مصیبت و انحراف پر آوازه و بزرگ شده و عمومیت یافته آن هم درست در زمان که علم و اندیشمندان همه سکوت کرده و لب فرو بستند مگر آنانی که خداوند بدیشان همت و اراده داده است. ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾.

شیخ محمد منیر دمشقی

﴿أَجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۸].

یعنی: «قرار بده برای ما خدائی همانگونه که آنها خدایانی دارند، گفت: براستی که شما قومی جاهل و نادان هستید. بله، حتماً شما بر همان قوانین و آداب سوار خواهید شد. یعنی: (رفتار) نصاری و یهود را تقلید خواهید کرد!».

(رواه الترمذی).

قاعده چهارم

این است که مشرکان عصر ما شرکشان بسیار شدیدتر و بدتر از دوران جاهلیت (عصر اولیه) می‌باشد زیرا مشرکان عصر جاهلی در هنگام رفاه و آسایش تن به شرک و بت پرستی و تعظیم طاغوتیان می‌دادند ولی در هنگام سختی و شدت خالصانه به سوی الله بی‌شریک روی آورده و لباس راستین توحید بر تن می‌کردند اما مشرکان زمان ما در شدت و سختی و رفاه و آسایش دائماً در شرک و انحراف بسر می‌برند.

خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۵].

۱- این حدیث را امام ترمذی تخریح کرده و صحیح قرارش داده است مشرکین در آنجا سلاح‌هایشان را به عنوان تبرک و بزرگداشت آویزان می‌کردند لهذا صحابه تازه مسلمان گمان می‌کردند این امر نزد خداوند متعال محبوب و پسندیده است و قصدشان از این سخن تقرب به سوی خداوند سبحان بود زیرا آنان دقیق‌تر و حساس‌تر از آن بودند که قصد مخالفت با رسول الله ﷺ را داشته باشند. باقیمانده حدیث با شرحش در کتاب توحید ذکر شده است تحت عنوان حقوق خدا بر بندگانش. جهت درک و آگاهی بیشتر به آنجا مراجعه نمایید. و الله اعلم

شیخ محمد منیر دمشقی

یعنی: «هنگامی که مشرکان سوار بر کشتی می‌شوند (و ترس و نگرانی بر آنان غلبه می‌کند) خالصانه و صادقانه خدای بی‌شریک را به فریاد می‌خوانند (و خدایان دیگر را فراموش می‌کنند) سپس هنگامی که خداوند آنان را نجات داد و سالم به خشکی رساند، باز ایشان شرک می‌ورزند (برای خداوند یگانه و متعال، شریکانی می‌گیرند)».

بنابراین، بسیاری از کسانی را که به عنوان اولیاء و ضریح مشایخ و سادات بزرگ داشته و پرستش و عبادت می‌کنند می‌بینیم که در شرکشان اخلاص داشته و آنان را با تمام وجود در دعاهایشان می‌خوانند و در حالت سختی و شدت و آسایش نیز از بارگاهشان استغاثه کرده و امداد می‌طلبند، بلکه گروهی از آنان در حالتی که سختی و بلا و مصیبت شدت می‌گیرد شرکشان بیشتر شده و گمراه‌تر می‌گردند بر خلاف مشرکین اولیه که فقط در حالت رفاه و شادمانی برای الله شریکانی قرار می‌دادند و در سختی و مصیبت‌ها دعاها و زاری‌هایشان و خشوع و تضرع شان را فقط برای الله خالص می‌گردانیدند همانگونه که قرآن کریم به این امر گواهی می‌دهد. متأسفانه مشرکان عصر ما (عصر ترقی و پیشرفت و علم - عصر کامپیوتر) در رفاه و سختی، دائماً اولیاء - بزرگان و امامان - را می‌خوانند در هر زمان از آنان طلب کمک و استغاثه و فریاد رسی دارند!!!

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و تنها الله است که حق می‌گوید و تنها اوست که به راه مستقیم هدایت می‌کند.

﴿قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [الزمر: ۳۸].

یعنی: «بگو: آیا چیزهائی را که بجز خدا به فریاد می‌خوانید چنین می‌بینید، که اگر خدا بخواهد زیان و گزندى به من برساند، آنها بتوانند آن زیان و گزند خداوندی را برطرف سازند؟ و یا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتی در حق من روا دارد آنها بتوانند جلوی لطف و مرحمتش را بگیرند و آن را باز دارند؟ بگو: خدا مرا بس است. توکل کنندگان تنها بر او تکیه و توکل می‌کنند و بس».

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ إِنَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲].

یعنی: «(آیا بت‌ها بهترند) یا کسی که به فریاد در مانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هر گاه او را به کمک بطلبد، و شما (انسانها) را (بر قانون حیات دائماً بطور متناوب) جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقوامی را بر این کره خاکی مسلط و مستقر می‌گردان، حال با توجه بدین (امور) آیا معبودی با خدا همراه است؟ واقعاً شما بسیار کم اندرز و پند می‌گیرید».

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ۗ إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۗ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾ [فاطر: ۱۳-۱۴].

یعنی: «و بجز او کسانی که به فریاد می‌خوانید (و پرستش و عبادت می‌کنید) حتی مالکیت و حاکمیت پوسته نازک خرمائی را ندارند. اگر آنها را (برای حل مشکلات و رفع گرفتاریهای خود) به فریاد بخوانید، صدای شما را نمی‌شنوند و بفرض اگر هم بشنوند، توانائی پاسخگویی به شما را ندارند و (گذشته از این) در روز قیامت انبازگری و شرک‌ورزی شما را رد می‌کنند. (و

می‌گویند: شما ما را پرستش نکرده‌اید و بی‌خود می‌گوئید) و هیچ کس همچون (خداوند) آگاه از احوال آخرت به گونه قطعی و یقینی، از چنین مطالبی) تو را با خبر نمی‌سازد».

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿٦﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٧﴾﴾ [الأحقاف: ۵-۶].

یعنی: «چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را بفریاد بخواند و پرستش و عبادت کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را بفریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی‌گویند؟ نه تنها پاسخش را نمی‌دهند، بلکه سخنانش را هم نمی‌شوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و بفریاد خواهندگان غافل و بی‌خبرند و زمانی که مردمان (در قیامت) گرد آورده می‌شوند. چنین پرستش شدگان و بفریاد خواسته شدگانی، دشمنان پرستشگران و بفریاد خواهندگان می‌گردند (و ازایشان بی‌زاری می‌جویند) و عبادت ایشان را (نفی می‌کنند و نمی‌پذیرند...) و تنها خداوند است که توفیق دهنده است و همچنین اوست که به راه مستقیم هدایت می‌کند و هیچ نیرو و قدرتی بجز الله وجود ندارد».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عقیده سلف صالح

اما بعد... من اعتقاد دارم که الله تنها معبود و قانونگذار و فریادرس و اجابت کننده دعاها و روزی دهنده و... است و هیچ معبودی بجز او نیست و او تک و تنها و بی نیاز می باشد در حالی که تمامی موجودات به آن نیازمندند نه می زاید و نه از کسی زاده شده است و هیچ همورد و همتایی ندارد. و اینکه هیچ کس به جز او سزاوار نیست چیزی از اقسام عبادت در حقش صورت گیرد... و هرکس که چیزی از انواع عبادت را در حق غیر الله انجام دهد پس او کافر و مشرک است.

و عبادت اسم جامع و شاملی است که در بر دارنده هر آنچه است که خداوند متعال دوستش می دارد و از آن خشنود می گردد حال فرقی نمی کند از گفتار باشد یا کردار، مانند: ارکان پنج گانه اسلام، دعا و رجاء و خوف توکل، رغبت و رهبت^۱ استعانه^۲، استغاثه^۳ و ذبح^۴ و نذر و سایر اقسام عبادت. همانا خداوند سبحان به هر آنچه که خودش را توصیف کرده موصوف می باشد و به همانچه که خود را نامیده، نامیده می شود و هر آنچه که رسولش ﷺ از صفات علیا به عنوان وصفی حقیقی نه مجازی توصیفش کرده و از اسماء حسنی نامیده است، موصوف می باشد. مانند استقرارش بر

۱- میل و علاقه بپیم و هراس داشتن.

۲- کمک و یاری خواستن.

۳- داد خواستن.

۴- قربانی کردن حیوانات.

عرشش یعنی به ذاتش بر آن علو یافته و قرار گرفتن بدون هرگونه کیفیت و هرگونه تشبیه و یا تمثیلی همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵].

براستی که او متکلم است با کلامی قدیم که تک تک کلماتش حادث است همانگونه که از سلف نقل شده است آنها می‌گویند که الله همیشه متکلم و هر گاه خواسته تکلم کرده است. از نمونه‌های کلامش قرآن است که الفاظی است که بر حضرت محمد ﷺ در جهت تعبد و تسلیم نسبت به آن و اعجاز نازل گردیده است، همان کلماتی که جبرئیل علیه السلام بدون واسطه از خداوند متعال شنید و با همان حروف و معانی همانطور که از الله - عزوجل - شنیده بود بر حضرت محمد ﷺ نازل کرد و این عبارات قرآن نه ساخته و پرداخته جبرئیل است و نه حضرت محمد ﷺ و نه در آن تصرفی کرده‌اند. بله آن کلام خداست و خداوند سبحان با حرف و صوت تکلم می‌کند همانگونه که حضرت موسی علیه السلام را که به کنار آن درخت آمده بود، ندا داد و صدا زد: ﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ [طه: ۱۲].

یعنی: «بدون شک من پروردگار تو می‌باشم، کفشهایت را از پایت بیرون بیاور، چرا که در سرزمین پاک و مبارک (طوی) هستی.»

و بندگانش را با صدایی که از دور چنان شنیده می‌شود که گویا نزدیک است صدا زده و ندا می‌دهد.

«أَنَا الْمَلِكُ، أَنَا الدَّيَّانُ».

و همانند همین حالت پیامبران و فرشتگانش و هرکس از بندگانش را که بخواهد مورد خطاب قرار می‌دهد یا از کتاب‌هایش بر آنان فرو می‌فرستد و یا

از تک تک کلمات غیر ازلی اش بر آنان نازل می‌کند. اما این کلام، مخلوق نیست زیرا از صفاتش بوده و صفات او همگی غیر مخلوق می‌باشد. همانا خداوند سبحان دوست می‌دارد و خشنود می‌گردد ناپسند می‌دارد، فرود می‌آید، زنده می‌کند، می‌میراند، ناراض می‌گردد، و از توبه بنده‌اش بسیار شادمان و خوشحال می‌گردد.

خداوند سبحان را مومنان در روز قیامت با چشمانشان می‌بینند همانگونه که آیات و احادیث صحیح بر این امر دلالت می‌کنند. و تمام اینها از صفات اوست صفاتی که هیچ صفتی شبیه آنها نیست و حقیقی بوده و مجازی نمی‌باشد همانگونه که کتاب و سنت آن را ثابت می‌گرداند.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ [الإخلاص: ۱-۴].

این‌ها همان است که به آن اعتقاد داریم و تسلیم محض و بی‌اعتراض آن می‌باشیم، و بدون هرگونه کیفیت و هرگونه تشبیه و تمثیل و تعطیل (استراحت کردن برای خدا یا رها کردن بندگان) خداوند را به اسماء و صفاتش می‌شناسیم.

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

یعنی: «هیچ چیز شبیه او نیست و فقط اوست که بسیار شنوا (پذیرنده طاعت و مناجات) و بسیار بینا و آگاه است».

و شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده و رسولش به سوی تمامی ثقلین - جن و انس می‌باشد. و اینکه او رسالتش را به خوبی و کامل به پایان رسانید و امانت (دعوت) را اداء کرد و امتش را نصیحت کرد و تا هنگامی که خداوند دین را کامل گردانید در راه خدا جهاد کرد تا آنکه فرمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ

لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا ﴿[المائدة: ۳].

یعنی: «امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم.»

سپس پروردگارش را برگزید به رفیق اعلی - دوست برتر و بزرگترش، الله - ملحق گردید و دنیا و اهلش را رها کرد.

و اینکه هیچکس ایمان نمی‌آورد مگر آنکه هوای نفس و آرزوها و امیال و اعتقادهایش را مطابق و تابع آنچه بکند که رسول الله ﷺ آورده است. تا آنجا که رسول ﷺ از جان (خودش)، فرزند و تمام مردم محبوب‌تر و عزیزتر می‌باشد.

معنای محبت رسول الله ﷺ اطاعت از فرامین او و تصدیق آنچه خبر می‌دهد و پرهیز و تنفر از آنچه که نهی می‌کند، می‌باشد. اینکه محب (دوستدار) او ﷺ خداوند متعال را عبادت نکند مگر آنگونه که حضرت ﷺ در شریعت بیان داشته است. و نه اینکه در حقیقت غلو و زیاده روی کرده بگونه‌ای که رضای پروردگار در آن نیست. و مبادا منزلت و مقام حضرت رسول ﷺ را از آنچه که خداوند تعیین کرده در دعاها و استغاثه‌ها (کمک طلبیدن و داد خواستن) بالاتر ببرد زیرا رسول رحمت ﷺ فرموده است.

«الدُّعَا هُوَ الْعِبَادَةُ».

یعنی: «دعا خود عبادت است.»

و همچنین حضرت ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَا يُسْتَعَاثُ بِي وَإِنَّمَا يُسْتَعَاثُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

یعنی: «به نزد من زنده یا مرده استغاثه نمی‌شود فقط و فقط به بارگاه الله عزوجل استغاثه و دادخواهی می‌شود. «در اموری که نیاز به امدادهای غیبی و نیروهای مافوق مادی می‌باشد».

استغاثه به رسول الله ﷺ شرک به خداوند متعال محسوب می‌شود تا چه رسد به اولیاء و مدعیان علوم شهودی و مشایخ و...!!!.

وابستگی به غیر خداوند متعال در جلب خیر و دفع شر، چه مستقلاً و چه با واسطه شرک است. (یعنی: وابستگی قلب به اولیاء و جنیان با توکل کردن و پناه بردن و التجاء به آنان و توبه‌های روحانی با انواع خیرات و صدقات و قربانی دادن‌ها برای آنان در جهت برآوردن حاجت‌ها و نیازها و بر طرف نمودن مصیبت‌ها و بلاها، شرک به خداوند متعال محسوب می‌گردد حال فرق نمی‌کند به نام طلسم یا توسل و یا... باشد همه این موارد شرک محض و گمراهی آشکاری است. زیرا خداوند، کتابی نفرستاد و پیامبری را مبعوث نگردانید مگر برای بطلان و نابودی و قطع ریشه‌های این شرک و گمراهی و پاک گرداندن قلب‌ها و ضمیرها از آن!.

«وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

و اعتقاد داریم که فرشتگان و کتابهای آسمانی از جانب الله حق هستند و پیامبران همگی حقند، برانگیخته شدن بعد از مرگ حق است.

بهشت (جنت) حق است.

جهنم (دوزخ) حق است.

ایمان داریم، میزان (ترازوی اعمال در قیامت) نیز حق است و همچنین حوض پیامبر ما ﷺ حق است، بگونه‌ای که هرکس از آن بنوشد هرگز تشنه نمی‌گردد و از هرگونه تغییر و تبدیل در امان می‌باشد.

به قدر (آنچه خداوند تدبیر کرده است) و خیر و شرش ایمان می‌آوریم و معتقدیم شفاعت پیامبر ما حضرت محمد ﷺ و تمام پیامبران صلوات الله علیهم و صالحان حق است. ولی بعد از اجازه و اذن خدا برای شفاعت کننده و رضایت و خشنودیش از آن کسی می‌خواهد در حقیقت شفاعت شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

یعنی: «چه کسی می‌تواند در برابرش (خداوند) شفاعت و میانجیگری کند؟ مگر با اجازه و اذن پروردگار».

و باز می‌فرماید: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾ [الانبیاء: ۲۸].

یعنی: «نمی‌توانند در حق کسی شفاعت و میانجیگری کنند مگر آن کسی که خداوند از او راضی و خشنود گردید»^۱.

پیامبر ما ﷺ اولین کسی است که شفاعت می‌کند و اولین کسی است که به او اجازه شفاعت داده می‌شود. ایشان در شفاعاتی خاص و منحصر گردیده‌اند که دیگران در آن شرکت ندارند. اول آن شفاعت در آنچه که بدان

۱- صحیح آن است که شفاعت در بیرون آوردن کسی که بخاطر گناهش وارد جهنم می‌شود ویژه و خاص رسول کریم ﷺ نیست، بلکه شفاعت مشترکی است که از احادیث وارده از ایشان ﷺ فهمیده می‌شود.

تنها آن چیزی که رسول اکرم ﷺ به آن اختصاص یافته‌اند، شفاعت عظمی است که سبب ورود اهل جنت می‌شود همانگونه که حدیث صحیح بدان تصریح دارد. و همچنین شفاعت در تخفیف و کم کردن عذاب عمویش ابوطالب از خصوصیت‌های شفاعت حضرت ﷺ می‌باشد تنها خداوند است که توفیق می‌دهد.

این مطلب، گفتار عبدالعزیز بن عبد الله بن باز رئیس عام اداره افتاء و پژوهش‌های علمی و دعوت و ارشاد می‌باشد. عفا الله عنه و وفقه لكل خیر.

حکم داده شده است که این همان «مقام محمودی» است که انبیاء و رسولان غبطه‌اش را می‌خورند.

و از انواع این شفاعت در اخراج و بیرون آوردن کسانی است که وارد دوزخ گردیده‌اند. و از این انواع شفاعت، روانه کردن آنان به سوی بهشت است بعد از آنکه پاک گردیده و آراسته و مهذب شدند.

و اعتقاد داریم بهترین قرن‌ها (زمانها) قرنی (زمانی) است که گروهی از مؤمنان که همان اصحاب رسول الله ﷺ هستند که بدور ایشان جمع شدند سپس عصر تابعین (کسانی که به نیکی از آنان (صحابه) پیروی می‌کردند) می‌باشد، همانگونه که ﷺ می‌فرماید:

«خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ».

یعنی: «بهترین زمانها، زمان من است سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند (عصر تابعین) سپس باز کسانی که بعد آنان می‌آیند».

و اعتقاد داریم، بهترین کلام و سخن، کلام خداوند متعال است و بهترین هدایت، هدایت حضرت محمد ﷺ می‌باشد. و بدترین و شرترین کارها نوآوری و بدعت در شریعت است و هر بدعتی در دین گمراهی و ضلالت است.

اگر ترس از طولانی شدن مطلب نبود برای هر کلام از این مسائل دلایلی از کتاب و سنت رسول الله ﷺ و اجماع سلف صالح می‌آوریم.

از خداوند متعال خواهانیم که ما را به راه مستقیمش در تمام گفتارها و کردارها (اعمال) هدایت و رهنمود سازد و ما را از انحراف و گمراهی‌ای فتنه‌ها چه آشکار و چه نهان حفظ کرده و نگهداری کند و بالاخره ما را بر آئین اسلام بمیراند.

صلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم

شیخ محمد طیب بن اسحاق انصاری
مدینه منوره سال ۱۳۵۸ هجری قمری
متوفی در سال ۱۶۹۳/۳/۷ هجری قمری
امید است این رساله نصیحت و یاد آوری برای خودش و برادران مسلمانش
باشد.

رحمه الله علیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَتِمُّ بِنِعْمَتِهِ الصَّالِحَاتُ.